روزنه

موانع روانشناختی مذاکرات ایران و ۱+۵

مهدی ملک‌محمد
روانشناس

● در طول ۱۲سال گذشته که پرونده هسته‌ای ایران وارد مرحله‌ای شده که تحریم‌های فراوانی برای کشورمان به ارمغان آورده، مردم بارها از خود پرسیده‌اند که مانع یا موانع این مذاکرات چیست؟ چرا محمدجواد ظریف و همکارانش در یک‌سال‌ونیم گذشته هم هنوز موفق نشده‌اند گره از کار فروبسته این دیار بگشایند و با شش‌کشور دنیا که به نمایندگی از شورای امنیت و شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی‌اتمی با جمهوری‌اسلامی‌ایران در مذاکره هستند، به توافق برسند؟ آیا مشکل فقط سیاسی است و از منظر علم سیاست به‌خصوص روابط بین‌الملل قابل‌حل است؟ پاسخ منفی است. به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین مانعی که تیم مذاکراتی ما و طرف‌های مقابل در لحظه کنونی با آن مواجهند، موانع روانشناختی مذاکره است. این موانع کدامند؟

۱- هدف مذاکره: برای هر کشوری با فرهنگی خاص که وارد یک مذاکره بین‌المللی می‌شود، هدف مذاکره مشابه و یکسان نیست. برخی از کشورها برای ایجاد یا بهبود رابطه با طرف مقابل وارد مذاکره می‌شوند و بعضی از کشورها برای رسیدن به مقصودی خاص و امضای یک قرارداد. در مذاکره هسته‌ای ایران و کشورهای ۱+۵، ایران با ترکیبی از کشورهایی مواجه است که مطالعات روانشناسان نشان می‌دهد هدف از مذاکره برای برخی از آنها، رسیدن به مقصودی خاص است و در برخی دیگر ایجاد یا بهبود رابطه. مطالعات «روانشناسان سیاسی» نشان می‌دهد که در بین شش‌کشور مقابل ایران دور میز مذاکره؛ در فرهنگ پنج‌کشور آمریکا، فرانسه، آلمان، بریتانیا و روسیه هدف از مذاکره رسیدن به یک مقصود خاص، اما برای چینی‌ها هدف از مذاکره بهبود رابطه است. بنابراین هدف چینی‌ها از ورودشان به فرآیند مذاکره با ایران این است که هم بتوانند از رهگذر آن رابطه‌شان با ایران را بهبود ببخشند و هم با دیگر کشورهای حاضر در این مذاکرات. اما کشورهای دیگر در این مذاکره آمده‌اند تا مشکلشان با فعالیت هسته‌ای ایران را حل کنند و نه رابطه‌شان را. این آن چیزی است که اگر تیم مذاکراتی ما به آن توجه نشان ندهد، در تحلیل‌هایش به بیراهه خواهد رفت. به‌طور خاص باید به یاد داشت که آمریکایی‌ها وارد این مذاکرات نشده‌اند که رابطه ازهم‌پاشیده‌شان با ایران را از نو بسازند.

۲- اختیارات مذاکره‌کننده‌ها: این پارامتر هم از دیگر تفاوت‌های فرهنگی است که می‌تواند یک مذاکره را با مانعی جدی مواجه کند. مطالعات انجام‌شده، نشان داده که کشورهایی نظیر آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان که در مورد مذاکره هسته‌ای با ایران جزو کشورهای غربی محسوب می‌شوند، مذاکره‌کنندگانشان را با اختیارات بالا پای میز مذاکره می‌فرستند اما کشورهایی نظیر روسیه و چین به مذاکره‌کنندگانشان اختیارات بالایی نمی‌دهند و آنها همیشه مجبور به هماهنگی با پایتخت‌هایشان هستند.

۳- نگرش به مذاکره: اینکه تیم‌های مذاکراتی ایران و ۱+۵ از امر مذاکره چه می‌فهمند بسیار مهم و تعیین‌کننده است. آیا هر هفت کشور دخیل در مذاکرات هسته‌ای، این مذاکرات را یک مذاکرات برد-برد می‌دانند و می‌خواهند؟ به نظر نمی‌رسد اینگونه باشد. دکترظریف و تیم همکاران ایشان بارها اذعان کرده‌اند که یک توافق خوب توافق برد-برد است، اما مطالعات روان‌شناسان سیاسی نشان می‌دهد که این مورد برای آمریکایی‌ها صادق نیست و تیم‌های مذاکراتی این کشور در هر مذاکره‌ای با این اصل وارد می‌شوند که «هرچه مال من است، مال من است و هرچه مال توست، قابل مذاکره است!» این تفاوت در نگرش باعث می‌شود ایرانیان بیش از طرف مقابل حاضر به انعطاف‌پذیری باشند، اما سرانجام این انعطاف‌پذیری، طرف‌های مقابل را نیز حاضر به انعطاف‌پذیری می‌کند؟ باید صبور بود.

۴- سبک‌های رفتاری: این مورد به ظاهر بی‌اهمیت باعث شد پیاده‌روی دکترظریف با جان کری، وزیر امور خارجه ایالات‌متحده آمریکا، چنان موج خشمی را در محافل خاص داخل کشور برانگیزد که گویی حادثه غیرمترقبه‌ای رخ داده است. سبک‌های رفتاری در ارتباطات انسانی در هر کشوری با کشور دیگر متفاوت است. آمریکایی‌ها در ارتباطاتشان ترجیح می‌دهند غیررسمی رفتار کنند. این تمایل در مذاکرات آنها نیز رخ می‌نماید. این تمایل ذاتی و طبیعی فرهنگ آمریکایی‌ها در پاره‌ای محافل خاص به نشانه توهین به ملت ایران یا نشانه صمیمی‌بودن تیم مذاکراتی ما با آمریکایی‌ها تلقی شده است.

ادامه در صفحه ۱۹

مردانی که در تکریت می‌جنگند

نزهت امیرآبادیان

عکس: Ap

شبه‌نظامیانی که در عراق می‌جنگند می‌گویند اسم چهارمرد، لرزه به اندام داعش می‌اندازد: حاج‌قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس، هادی العامری و قیس الخزعلی. «دیوید کنر» در نشریه فارین‌پالیسی، از کریم النوری، سخنگوی سازمان بدر، نقل قول می‌کند که «حاج‌قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس و هادی العامری، بزرگ‌ترین ستارگان در کهکشان شبه‌نظامیان شیعه‌ای هستند که در بیرون‌راندن داعش از تکریت نقش داشته‌اند.»

قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب‌اسلامی است که درواقع نقش هدایت و رهبری این نیروها را به‌عهده دارد و به‌طور منظم برای جلب حمایت از متحدان ایران، در خاورمیانه، سفر می‌کند. ابومهدی المهندس، رهبر گروه شبه‌نظامی کتائب، وابسته به حزب‌الله است او در سال۱۹۸۳ به دست‌داشتن در انفجار بمبی در سفارت آمریکا در کویت، متهم شد. هادی العامری، فرمانده سازمان بدر، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در عراق است. قیس الخزعلی نیز فرمانده گروه عصائب اهل الحق، به‌معنای متحدان پرهیزگار است. این گروه‌ها در روزهای اخیر درگیر جنگ با گروه تروریستی داعش برای آزادی‌سازی تکریت، بزرگ‌ترین شهر سنی‌نشین عراق، هستند. ژنرال مارتین دمپسی روز ۱۳اسفند، دربرابر کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا گفت دوسوم از نیروهایی که در نبرد تکریت شرکت دارند، از شبه‌نظامیان شیعه‌ای هستند که از ایران پیروی می‌کنند. به گفته او یک‌سوم دیگر، نیروهای دولت عراق هستند. رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا افزود اگر نیروهای شیعه وابسته به ایران با شایستگی عمل کنند و تکریت را از شر گروه داعش نجات دهند، «این یک‌موضوع مثبت» در مبارزه با داعش خواهد بود. به گزارش آسوشیتدپرس، رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا گفت: این علنی‌ترین پشتیبانی ایران از نیروهای عراقی در اشکال مختلف بوده است. «جیمز کلاپر»، مدیر سازمان اطلاعات ملی آمریکا، هم به تلویزیون «سی‌بی‌اس» گفته، معتقد است تهران «تعهدی بسیارجدی برای جنگ» با «گروه داعش» دارد و نیروهایی را برای مشاوره به این کشور اعزام کرده است. گفته می‌شود بیش از ۵۰گروه شبه‌نظامی شیعی و وابسته به ایران، در عراق فعالیت می‌کنند. این گروه‌ها به‌طور جدی در ارتش و پلیس عراق فعالیت می‌کنند و بخش زیادی از نیروهای عراق نیز توسط این گروه‌ها آموزش می‌بینند. بسیاری از این آموزش‌دیدگان فقط برای به‌عقب‌راندن جهادگرایان سنی به‌کار گرفته نمی‌شوند، بلکه در بسیاری موارد یک‌گارد پشتیبانی را تشکیل می‌دهند که از آنها برای کنترل مناطقی که باید تحت‌کنترل بغداد باشد، استفاده می‌شود.

سپاه قدس: در سال۱۳۵۹ محمدعلی رجایی، رییس‌جمهور وقت ایران، در گفت‌وگویی که با نشریه هفته‌نامه پیام انقلاب، ارگان وقت سپاه پاسداران، داشت از منافع جمهوری‌اسلامی‌ایران سخن گفت و تاکید کرد: «نفع جمهوری اسلامی در این است که انقلاب را به دنیا صادر کند.» بدین‌ترتیب پایه‌های اولیه تشکیل سپاه قدس پی‌ریزی شد. به گزارش هفته‌نامه آسمان، از همان زمان جنبش‌های آزادی‌بخش ایران فعالیت‌های خود را با محوریت شهید محمد منتظری آغاز کرده و با «برادران لبنانی» دیدارهایی نیز داشتند. چند شماره بعد، نشریه سپاه پاسداران از «تشکیل سپاه قدس» خبر می‌دهد و در سرمقاله خود با اشاره به رفتار و کردار مقامات آمریکایی و حمایت آنها از صدام‌حسین در جنگ تحمیلی ایران و عراق، می‌نویسد: «اینک به موازات توطئه رسانه‌های صهیونیستی و امپریالیستی، از سوی انقلاب اسلامی، تشکیل «سپاه قدس» اعلام شده است. تشکیل سپاه قدس، از ارتش کشورهای اسلامی و مردم مبارز آنها، هم عمر کشورهای وابسته منطقه و هم زندگی جنایت‌بار و ننگین اسراییل را پایان خواهد داد... آنچه بر پیروزی حتمی سپاه قدس نوید می‌دهد پیروزی رزمندگان اسلام است که در «طریق‌القدس» فتح‌الفتوح آفریدند.» بدین‌ترتیب سپاه قدس با هدف ازبین‌بردن «رژیم غاصب اسراییل» و اتحاد کشورهای مسلمان تشکیل شد. براساس گزارش‌ها سردار سلیمانی و سپاه قدس ایران در عملیات نظامی علیه داعش در تکریت نقش نظارتی داشته و در آماده‌سازی و تدارک نهایی برای حمله به داعش به منظور بازپس‌گیری شهر عراقی تکریت نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

سازمان بدر: سپاه بدر شاخه‌ای از سپاه پاسداران است که از مجاهدین عراقی ای‌که یاران آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم و آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر بودند، تشکیل شد، افراد این سپاه خود را از فداییان امام خمینی(ره) می‌نامیدند و مبارزه با رژیم بعثی عراق را جهاد فی‌سبیل‌الله می‌دانستند. این سپاه در عملیات کربلای دو و مقاطع دیگر جنگ هشت‌ساله شرکت داشت. سپاه بدر در سال ۱۳۶۱ به وسیله آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی تشکیل شد و پس از ۳۰ماه، رهبری آن به آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم منتقل شد. پس از سقوط حکومت صدام، رییس‌جمهور وقت عراق در سال ۲۰۰۳، سپاه بدر از یک مجموعه نظامی به مجموعه ای‌سیاسی به نام سازمان بدر تبدیل شد. سازمان بدر هم‌اکنون یک مجموعه سیاسی است که در انتخابات سیاسی نیز فهرست ارایه می‌کند. بخش نظامی سازمان بدر یکی از آماده‌ترین گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در جنگ علیه داعش است. گفته می‌شود اعضای سپاه بدر در حال حاضر در وزارت کشور عراق نفوذ زیادی دارند.

کتائب حزب‌الله: تاریخ تاسیس کتائب حزب‌الله به چهار ماه قبل از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ برمی‌گردد. بیشتر فرماندهان آن جزو نیروهای مخالف رژیم صدام هستند. این گروه با اینکه جزو مخالفان سرسخت صدام‌حسین بود، اما با حمله آمریکا به عراق به شدت مخالف بود و پس از حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا به عراق و سرنگونی صدام، جنگ این شبه‌نظامیان شیعه با نیروهای آمریکایی شروع شد. اولین عملیات کتائب حزب‌الله علیه آمریکا، مربوط‌به تاریخ ۲۰۰۳/۱۰/۲۳ در شهر بغدادو منطقه بلدیات بود که در آن یک نفربر آمریکایی هامر توسط یک‌بمب کنار جاده هدف قرار گرفته و منهدم شد. این سلسله‌عملیات‌ها تا سال۲۰۱۱، ادامه داشت. پس از خروج آمریکایی‌ها از عراق و آغاز بحران سوریه، کتائب حزب‌الله، به سوریه و یاری بشار اسد رفتند. این گروه از توانایی بالای امنیتی و عملیاتی برخوردار است، زیرا هدف آنها از ابتدا نفوذ به سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا یا عراق بود.

عصائب اهل الحق: عصائب اهل الحق که با نام شبکه خزعلی نیز شناخته می‌شود، یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های شبه‌نظامی شیعه است که در عراق و سوریه فعالیت می‌کند. عصائب اهل الحق از نظامیان شیعه‌ای هستند که پس از اشغال عراق به‌وسیله آمریکا، در گردان‌هایی موسوم به «مجامیع خاصه» و به فرماندهی شیخ «قیس الخزعلی» سازماندهی شدند. عصائب اهل الحق سپس در زمان هجوم داعش به عراق، ماموریت دفاع از عتبات عالیات را برعهده گرفت.

حاج قاسم سلیمانی

قیس الخزعلی

هادی العامری

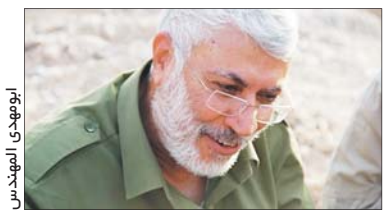

ابومهدی المهندس

ادامه از صفحه ۳

اجماع گفتمانی آغاز پایان گروه‌های فشار

آنها از خیابان به خانه‌ها یا شاید هم مصادری دیگر کوچ کردند. به جز سه مورد برهم زدن سخنرانی ناطق نوری، لاریجانی و سیدحسن خمینی چندان خبری از آنها نبود اما با آغازبه‌کار دولت روحانی آنها دوباره بازگشته‌اند. فرآیند مقابله با جریان گروه‌های فشار هم قطعا مانند هر تحول و تغییری در عرصه سیاست یکباره رخ نخواهد داد. ولی یک چیز مشخص است و اینکه گروه‌های فشار قطعا این روزها کمتر از سال‌های دهه ۷۰ و حتی ۸۰ احساس مصونیت دارند. این اجماع گفتمانی بر سر کراهت رفتار گروه‌های فشار و تقبیح‌ناسازی تصویری که آنها از خودبرجای می‌گذارند این روزها بیش از سال‌های قبل دیده می‌شود و این خود نشان میمونی بر آغاز دوره‌ای دیگر از حیات این جریان است. تاثیر این اجماع گفتمانی از این لحاظ بیش از برخورد قضایی- انتظامی اهمیت دارد که می‌تواند به‌نحوی از انحا بازتولید گفتمان جریان فشار را محدودتر یا مهجورتر کند. برای مستندکردن این ادعا می‌شود به یک مورد دیگر هم اشاره کرد. در جریان حمله به سخنرانی لاریجانی در سالگرد ۲۲بهمن در قم، در مجلس کمیته تحقیق‌وتفحصی تشکیل شد که به نتایج خوبی هم رسید و بخش‌هایی از آن هم منتشر شد اگرچه در بخش مجازات و مقابله با آمران و عاملان، قضیه فعلا مسکوت مانده اما همان هم در مقایسه با موارد بسیار زیاد سال‌های قبل، یک قدم روبه‌جلو محسوب می‌شود. مورد آخر هم همین ماجرای علی مطهری در شیراز است که زیاده واکنش‌ها را برانگیخته، اگرچه تحرک خود این نماینده مجلس بعد از واقعه رخ‌داده و نامه‌نگاری‌هایش هم در برانگیختن واکنش‌ها بی‌تاثیر نبوده است. و آخر اینکه باید به استقبال نوشته نویسنده وبلاگ «آینده از آن حزب‌الله» است رفت که پیشنهاد داده بود، امام‌جمعه شیراز به‌جای آن نوع واکنش، پشت تریبون بگوید: «من به آقای مطهری نقد دارم ولی برخود لازم می‌دانم بابت رفتاری که با وی شده به نمایندگی از جامعه مذهبی و ولایتمدار شیراز عذرخواهی کنم و به‌همین‌دلیل از آقای مطهری دعوت می‌کنم به‌جای آن سخنرانی، سخنران پیش از خطبه‌های نمازجمعه هفته بعد باشند تاهم درباره اسلام و آزادی سخن بگویند و هم مشخص شود لات‌هایی که به ایشان تعرض کرده‌اند، شهامت دارند آفتابی شوند؟»

ادامه از صفحه اول

مطهری و مسوولیت دولت

هیچ‌وقت هم این اعمال نه از جانب اصولگرایان محکوم شد، نه اقدام لازم در برخورد با گروه‌های فشار از سوی نهادهای مربوطه صورت گرفت؛ دقیقا شبیه آنچه در شیراز اتفاق افتاد و همه اینها در حادثه شیراز دوباره تکرار شد. نه اصولگرایان حمله به مطهری- حداقل به‌عنوان یک‌همکار در مجلس- را محکوم کردند نه در تمام چندساعتی که آن فضای رعب‌ووحشت در جریان بود، نهادهای مسوول وظیفه خود دانستند که جلو اقدامات غیرقانونی آن صدنفر را بگیرند و نه بعدا واکنشی نشان دادند. گویی آن حادثه اسفبار در کشور دیگری اتفاق افتاده است. می‌توان تصور کرد اگر به‌جای علی مطهری، یک‌چهره اصولگرا می‌بود و عده‌ای دانشجو فقط نسبت به وی انتقاداتی مطرح کرده بودند، اکنون چه اتفاقی افتاده بود!

بعد دوم مساله، متوجه مقامات استان است. ظاهرا برخی از آنان نه‌تنها قصوری متوجه عملکرد خود نمی‌دانند بلکه استدلال می‌کنند مسوولان دانشگاه مقصر بوده‌اند که مجوز سخنرانی را صادر کرده بودند. واقعیت تلخ آن است که بخش عمده‌ای از توجه آقای روحانی متوجه مذاکرات ژنو و مسایل اقتصادی بوده است که همه اینها قابل‌فهم است اما به‌نظر می‌رسد زمان آن فرارسیده که ایشان دست‌کم بعد از این، مسایل داخلی را هم در اهم توجهات خود قرار دهند. نگارنده ظرف قریب به ۲۰ماه گذشته به بسیاری از مناطق کشور به دعوت دانشگاه‌ها یا گروه‌های سیاسی همسو با دولت رفته‌ام. در کمتر استانی با گلایه فعالان ستادهای انتخاباتی همسو با دولت در انتخابات۹۲، مواجه نشده‌ام. دلخوری‌ها هم همواره از عزل‌ونصب‌های صورت‌گرفته یا بعضا صورت‌نگرفته بوده است. البته که این دوستان به‌هیچ‌رو نمی‌گویند دولت یازدهم هم می‌بایستی مثل محمود احمدی‌نژاد در سال‌های۸۴و۸۵ عمل کند و همه مدیرانی که در دوران سازندگی و اصلاحات سمت داشته‌اند را برکنار کند. در مواردی حتی از برخی مدیران دولت‌های نهم و دهم دفاع کرده و به‌واسطه توان مدیریتی آنها، همچنان خواهان تداوم مسوولیت آنان هستند. اما در بسیاری موارد دیگر نارضایتی گسترده‌ای به‌ویژه از عملکرد وزارت کشور وجود دارد. معضل دیگر، دخالت‌های گسترده برخی نمایندگان مجلس در عزل‌ونصب‌ها بوده است. با توجه به گرایش بسیاری از نمایندگان مجلس نهم، واضح است آنان خواهان ابقا و انتصاب مدیرانی بوده‌اند که حتی سنخیتی با اعتدالگرایی دولت یازدهم پیدا نمی‌کند چه رسد به نزدیکی با دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه. چه از بابت گرایشات سیاسی خودشان و چه از بابت همراهی با برخی نمایندگان اصولگرای مجلس، وزیر کشور عمدتا مسوولان و مدیرانی را بر سر کار آورده که با بدنه دولت خیلی انطباقی پیدا نمی‌کنند. آیا اگر اصولگرایان در انتخابات ۲۴خرداد پیروز شده بودند، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین وزارتخانه خود را به یک چهره نزدیک به دولت فعلی می‌دادند؟

البته ملاحظات و دغدغه‌های آقای روحانی در برخی گزینش‌ها در ابتدای کار دولت یازدهم قابل‌درک بود. اما با توجه به اینکه بدنه اصولگرای مجلس همکاری و همدلی با دولت ایشان ظرف ۱۸ماه گذشته نداشته‌اند، واقعا دیگر ضرورتی ندارد آقای روحانی همچنان کلیدی‌ترین پست کابینه را در اختیار اصولگرایان بگذارند. به‌علاوه آنها باتوجه به حضور برخی استانداران، فرمانداران و بخشداران باقی‌مانده از دولت قبل، از هم‌اکنون درصدد برنامه‌ریزی برای انتخابات مجلس دهم در اسفند۹۴ هستند. ختم‌کلام آنکه حمله به مطهری و جلوگیری از سخنرانی وی، پرسش‌های جدی و مهمی را برای دولت یازدهم به‌وجود آورده است.

یک‌قاب، دوتصویر

ادامه از صفحه۶

روح‌الله حسینیان، از اعضای جبهه پایداری در نطق خود ادبیات رییس‌جمهور درباره آنچه آن را منتقد می‌نامید، بدعت سیاسی خواند و گفت این ادبیات را سرهنگ‌های کودتاچی در آفریقا هم به‌کار نمی‌برند.

دهم، نوع ادبیات رییس‌جمهور تندروها را ناراحت کرده است. اما تابه‌حال به یکی از آنها حمله‌ای نشده، شیشه ماشین آنها خرد نشده، جلو سخنرانی آنها گرفته نشده و به آنها سنگ و گوجه پرتاب نشده است. اگر چنین بود که طبعا چنین رویکردی غلط است، آنها چقدر هیاهوی رسانه‌ای ایجاد می‌کردند و چند وزیر و معاون باید جواب پس می‌دادند. یازدهم، علی مطهری نماینده گروهی است که تنها به‌دلیل مواضعش همسویی‌ای با تندروهای مجلس ندارد. از همین‌رو مغضوب است. پس نه به ماجرای علی مطهری پرداخته و نه به عقبه آن توجهی می‌شود. به‌جای رییس‌جمهور علی یونسی مخاطب قرار می‌گیرد. دوازدهم، جان سخن را آیت‌الله حائری‌شیرازی، امام جمعه سابق شیراز در نامه‌اش به مطهری گفته است: «آنها که در شیراز آن، کردند، اراذل‌واوباش نبودند، جوانان نمازخوان ولایتی بودند.» تا چنین نگاهی به خودسرها حاکم است، از این دست برخوردها گریزی نیست. نتیجه چنین نگاهی، برخورد دوگانه مجلس خواهد بود.

WWW.RSP24.IR
مشهد
گارانتی سالیانه
هتل : خورشید تابان ۴ ستاره تاپ
خدمات فول برد ✓ استخر ، سونا ، جکوزی ، رستوران چند منظوره ، پارکینگ اختصاصی ✓ لوکس ترین اتاقها
✓ سالن کنفرانس و همایش و آمفی تئاتر ۴۰۰ نفره
رزرواسیون آنلاین هتل و پرواز
خرید اینترنتی = ۲% تخفیف
WWW.DTA24.IR
کیش
گارانتی سالیانه
هتل : دیدنیها ۳★ ، ایران ۵★TOP ، آرامیس ۴★
سواحل
مدیترانه
FREEBIRD atlasjet
نوروز ۱۳۹۴
استانبول
تور ترکیبی (۱۰ روزه)
+ سواحل مدیترانه
تماس تا ۷ شب
مجری مستقیم
آسوده خاطر با ما سفر کنید
ایام تعطیل باز
دیدنیها ۸۸۶۴۰۰۶۴ ۸۸۷۸۶۶۱۲
رادمان ۸۸۴۴۴۴۳۴ ۸۸۴۷۳۵۳۵